



گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش عروسکی «جک نارن»

حضور شکوهمندان عروسک‌ها بر صحنه تئاتر شهر

یک نمایش عروسکی برای بزرگسالان است و محمد لقمانیان، فرشاد قاسمی، محمد جواد مهدیان و خود قیس یساقی بازی دهندگان عروسکی آن هستند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

قیس یساقی و گروهش در حالی که همچنان نمایش پر مخاطب «مَثَلث» را روی صحنه‌ی صبا با یک نمایش عروسکی دیگر به نام «جک نارن» به سالن قشقایی تئاتر شهر آورده‌اند. این نمایش که در جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران مبارک موفق به دریافت جوایز بسیاری شده

مریم عظیمی

صحنه‌ی صبا با یک نمایش عروسکی دیگر به نام «جک نارن» به سالن قشقایی تئاتر شهر آورده‌اند.

این نمایش که در جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران مبارک موفق به دریافت جوایز بسیاری شده

قیس یساقی، نویسنده و کارگردان:

«جک نارن» به نسبت «مَثَلث» اثری حرفه‌ای‌تر است

با توجه به این که نویسنده این نمایشنامه نیز هستید، لطفاً بفرمایید این متن چگونه متولد شد و روند شکل‌گیری آن به چه صورت بود؟
من سال ۱۳۹۵ نسخه اولیه این متن را نوشتم و ایده آن خیلی اتفاقی، با دیدن یک نمایش در ذهنم جرقه زد. این اثر بر اساس یک اتفاق تاریخی که مربوط می‌شود به جنگ فرانسه و هلند در قرن هفدهم میلادی نوشته شده است. از سال ۹۵ تا کنون ما یک بار این اثر را در حالت غیر عروسکی روی صحنه بردیم و بعد کنار گذاشته شد اما همیشه در ذهنم بود که این کار را باید یک بار به صورت عروسکی هم اجرا کنیم. بدین ترتیب سال ۱۴۰۳ دوباره آن را بازنویسی کردم و در نسخه فعلی تغییرات مفصلی نسبت به گذشته دارم. این حال، شاکله اصلی متن و قصه همان چیزی است که سال ۹۵ نوشته شده بود.

بعد از تجربه اجرای مداوم نمایش «مَثَلث»، به نظر می‌رسد شروع یک کار تازه با بار سنگینی همراه باشد؛ باری که اجرای موفق اثر قبلی روی گروه اجرایی می‌گذارد. آیا در این رابطه احساس ریسک می‌کردید یا با آرامش شروع کردید؟

نه واقعاً بار سنگینی بود. از روز اولی که «مَثَلث» را به اجرای عموم گذاشتیم، مردم خیلی لطف داشتند و افراد متخصص هم به ما کامنت‌های خیلی خوبی می‌دادند. این باز خورد هادام برای ما ترسناک‌تر می‌شد، بخصوص وقتی خیلی مستقیم می‌پرسیدند که: «کار بعدی‌تان چه خواهد بود؟» همین مسئله فشار زیادی روی ما آورد. در مقطعی تصمیم گرفتم که اگر بخواهیم در این فشار و به امید ایده‌ای که مطمئن باشیم از «مَثَلث» بهتر خواهد شد، به‌مانیم ممکن است اصلاً دیگر هیچ کاری نکنیم و در این تله گرفتار شویم به همین خاطر تصمیم گرفتیم همانطور که در مَثَلث بدون انتظار برای ساختن یک کار حتماً خوب و مردم‌پسند، پیش رفته بودیم کار جدید را شروع کنیم و صرفاً سعی کردیم از فرآیند تولید و ساخت آن لذت ببریم؛ و خوشبختانه همین هم شد. خوشبختانه این کار هم تا الان مورد استقبال قرار گرفته است. در واقع از ترس اینکه در فضای «مَثَلث» گیر کنیم خودمان را به عمد در پروسه تولید این کار انداختیم.

یکی از نکات جالب این اثر، تفاوت میان عروسک‌های «جک نارن» و «مَثَلث» است. در آن نمایش، عروسک‌ها مینی‌مالیستی، مفهومی و متکی به تخیل مخاطب بودند، اما در اینجا با عروسک‌های کاراکتریزه شده‌تری مواجه هستیم. کمی از این تفاوت برای‌مان بگویید.

بله، در واقع در «مَثَلث»، محدودیت‌های ما باعث شد که آن اتفاقی که دیدید رقم بخورد و بعد منجر شد به خلایق اما در «جک نارن» ما تصمیم گرفتیم طور دیگری با قضیه برخورد کنیم و هر چیزی را که می‌توانیم به واسطه قابلیت‌هایی که نمایش عروسکی به کار می‌دهد نشان دهیم. این امر یک سری از محدودیت‌های دیگر را از سر راه ما برمی‌داشت و این امکان را به ما می‌داد که هر تصویری که به ذهن‌مان می‌رسد را بتوانیم در نمایش خلق کنیم. این یک قابلیت ویژه و مختص نمایش عروسکی است و متمایز از فرمی است که مادر «مَثَلث» داشتیم.

در دکور و بخش‌هایی که مربوط به فضای اجرا کنندگان است، ما با ساختار داستان در داستان مواجه هستیم. در دکور و



بنابر این حتی اگر در ردیف‌های عقب‌تر مخاطب جزئیات کمتری ببیند، چیزی از دست نمی‌دهد.

اجازه بدهید، به یکی دیگر از تفاوت‌های دواثر بپردازیم. در «مَثَلث»، مخاطب گاه قهقهه می‌زد، اما در اثر جدید، شوخی‌ها داستان‌محور و حرفه‌ای‌تر هستند. باز خورد مخاطبان از این جهت چگونه بوده؟ آیا با انتظارات قبلی به تماشای این کار آمده‌اند یا آن را به عنوان تجربه‌ای جدید پذیرفته‌اند؟

بگذارید از آخر شروع کنم. بله، من فکر می‌کنم مخاطبان بار و یکرودی جدید به تماشای این اثر نشستند. از باز خوردهایی که دریافت کردیم، این طور بر می‌آید که همه اذعان کرده‌اند با اثری متفاوت روبه‌رو هستند که اصلاً قابل مقایسه با «مَثَلث» نیست؛ نه از نظر بهتر یا بدتر بودن، بلکه از این جهت که جهان کاملاً متفاوتی دارد. درباره طنز کار نیز همان طور که شما گفتید، این نمایش بیشتر قصه‌گو است تا صرفاً یک نمایش کمدی. اگر با دقت به عمق ماجرا و آنچه برای شخصیت‌های اصلی رخ می‌دهد نگاه کنیم، حتی ممکن است وجهی در دناک هم در آن ببینیم. البته که «مَثَلث» اثر اقتباسی از آثار شکسپیر است و طبیعتاً آن آثار با هیچ قصه دیگری قابل مقایسه نیستند. اما روایت ما تمرکزش روی قصه است، نه صرفاً نشان دادن لبخند بر لب مخاطبان.

در باره عروسک‌های «جک نارن» و اینکه دقیقاً چند مدل عروسک در نمایش استفاده شده و هر کدام در چه دسته‌بندی قرار می‌گیرند، بفرمایید؟

ما در این نمایش به طور کلی دو مدل عروسک داریم: یک مدل مایپ و یک مدل تاپ تیبیل. لحظاتی هم البته از سایه استفاده می‌کنیم، اما نه به شکل مرسوم که همه می‌شناسند، بلکه نوعی متفاوت و خیلی کوتاه. اما اساس کار ما روی همان دو مدل اصلی است. در مدل تاپ تیبیل حدوداً بیست عروسک داریم که هر کدام بنا بر لحظه و موقعیتی که باید نشان داده شود، تغییر می‌کنند و ما برای اینکه ریتم نمایش حفظ شود و آن اعجازی که می‌خواهیم توسط تماشاگر درک شود، برای هر موقعیت و متناسب با آن، عروسک جدید ساختیم و این هم یکی از یکی از آن قابلیت‌هایی است که فقط در نمایش عروسکی ممکن می‌شود.

از همکاری با طراح و عروسک‌ساز نمایش هم برای‌مان بگویید.

طراحی کاراکترها توسط خاتم نفیسه‌سادات صاحب‌کار انجام شد. ما حدود یک ماه و نیم روی طراحی‌ها وقت گذاشتیم. ساخت عروسک‌ها هم توسط خاتم فرشته‌ابراهیمی انجام شد که از عروسک‌سازهای بسیار با سابقه و شناخته‌شده هستند. بعد از اینکه طراحی‌ها کامل شد، وارد مرحله ساخت شدیم و این پروسه نیز در مجموع حدود یک ماه و نیم تا دو ماه طول کشید.

لباس بازیگران فضایی با حال و هوای ژاپنی شکل گرفته آیا ابتدا این فضا در ذهن‌تان شکل گرفت و بعد طرح کارگردانی بر اساس آن نوشته شد، یا برعکس؟

در واقع ما از طرح کارگردانی به این نقطه رسیدیم. البته نمی‌شود این دو را کاملاً از هم جدا کرد، چون مسأله اصلی ما در اجرا این بود که فضای واقعی و فضای فانتزی عروسکی را طوری به هم متصل کنیم که جهان نمایش دوباره نشود. یعنی صرفاً با یک سری عروسک گردان و عروسک‌هایی که در دست‌شان دارند مواجه نباشیم، بلکه یک واقعیت و یک منطق روایی مستقل ایجاد کنیم. در روند پیش تولید به این نتیجه رسیدیم که این قصه را به نمایشنامه اضافه کنیم تا این پیوستگی شکل بگیرد.

در «مَثَلث»، فضای نمایش بانور محدود می‌شد و این باعث می‌شد تمرکز بیشتری روی بازی‌های مینی‌اتوری و حرکات ظریف به وجود بیاید. اما در «جک نارن»، گویا کل فضا درگیر اجراست و حتی با وجود باریکه‌هایی از نور، باز آن فضا و محیط پیرامون تا حدی حفظ می‌شود. این تغییر از این بابت که ممکن است تمرکز مخاطب روی عروسک‌ها کاهش پیدا کند برای شما ریسک‌برانگیز نبود؟

ما تصمیم گرفتیم در نمایش جدید به طور کلی کار متفاوتی انجام بدهیم و سعی نکنیم از راهی که قبلاً رفته‌ایم تقلید کنیم. البته ناخودآگاه گاهی شباهت‌هایی ایجاد می‌شود، چون هر دو اثر تولید خود ماست. اما به لحاظ تولیدی و فرم اجرا، ما تلاش کردیم اتفاقات تازه‌ای رقم بزنیم. یکی از همین موارد، نکته‌ای است که به آن اشاره کردید. در فضای دکور و صحنه، ما خیلی حرفه‌ای‌تر پیش رفتیم؛ همچنین در طراحی نور. در مجموع با قاطعیت می‌توانیم بگوییم که «جک نارن» به نسبت «مَثَلث» اثری حرفه‌ای‌تر است و علتش هم حضور افراد حرفه‌ای‌تر و متخصص‌تر در حوزه‌های مختلف است که باعث شدند چنین کیفیتی حاصل شود. البته می‌پذیرم که ممکن است در ردیف‌های انتهایی، جزئیات بازی عروسک‌ها یا چهره کاراکترها کمتر دیده شود. اما شخصاً این موضوع را چندین بار بررسی کردم و معتقدم آسیب جدی‌ای به نمایش وارد نمی‌شود. چون فرم عروسک‌های ما نیز به گونه‌ای است که خیلی روی جزئیات چهره و میمیک تمرکز ندارد؛

